ریتم

نگاهی به موسیقی دیشب باباتو دیدم آیدا

آدم‌ها می‌آیند و می‌روند

علی شیرازی

موسیقی تازه‌ترین فیلم رسول صدرعاملی «دیشب باباتو دیدم آیدا» ساخته فریبرز لاچینی با همکاری علیرضا لاچینی با قطعه کوتاهی که توسط پیانو نواخته شده در تیتراژ شروع می‌شود. با آغاز نریشن این موسیقی قطع و سپس با فیکس شدن تصویر و بیان فلاش‌بک صوتی توسط آیدا در تاریکی به همراه افکت کلاس و معلم در جلسه امتحان ادامه می‌یابد و تیتراژ ابتدایی روی پرده می‌رود. موسیقی تیتراژ با ارکستر در مینور اجرا شده در لحظاتی به ماژور تبدیل می‌شود و این موسیقی دوباره به مینور برمی‌گردد به صورت آکوستیک با استفاده از سازهایی مانند ویولنسل، فلوت، ویولن، پیانو و گیتار ضبط شده است.

پس از نمایش «آیدا» در جشنواره فیلم فجر ۸۳ و واکنش‌های تماشاگران، منتقدان و داوران، صدرعاملی ترجیح داد با تغییرات مختصری (توسط سعید مطلبی فیملساز قدیمی) پایان بهتری برای فیلم دست و پا کند و به تبع این لاچینی نیز موسیقی آن چند صحنه را از نو بدون تغییرات آنچنانی میکس کرد. ضمن اینکه به تصدیق همگان «آیدا» در نسخه جدید به فیلم به مراتب بهتری بدل شده است. آیدا (صوفی کیانی) دختر نوجوانی است که به شکل اتفاقی از طریق دوستش در مدرسه متوجه روابط مشکوک پدر خود (شاهرخ فروتنیان) با زنی بیگانه (الهام پاوه‌نژاد) می‌شود. وقتی که آیدا از مدرسه به سمت خانه حرکت می‌کند یک موسیقی ملایم در گام ماژور او و نریشن‌هایش را همراهی می‌کند. در خانه با مرور عکس‌های خانوادگی در کامپیوتر توسط او تاکیدهای پیانو را در اوکتاو بالا می‌شنویم که با نمایش چهره خندان پدر و خداحافظی او از آیدا موسیقی بدون مقدمه و یک‌باره قطع می‌شود. در صحنه بعد یک مجلس عروسی را می‌بینیم که طبعاً موسیقی صحنه‌ای و شاد مربوط به چنین مجالسی را در زمینه‌های صوتی با خود همراه دارد. در همین صحنه وقتی که آیدا پدر را در حال تلفن‌زدن ـ شاید به همان زن بیگانه– می‌بیند موسیقی با تم و لحن تردید اضافه و بعد در صدای صحنه گم می‌شود. در پلان‌های بعد با دیدن عکسی که آیدا در همان عروسی انداخته در کامپیوتر شخصی‌اش متوجه می‌شویم که این سکانس فلاش‌بک بوده و در ذهن آیدا گذشته است. لاچینی با دقت و ظرافت نماهای فیلم را مرور و زمان‌بندی کرده و باسلیقه از موسیقی در جای‌جای فیلم استفاده کرده است. همه اینها وقتی ارزش پیدا می‌کند که بدانیم او از آهنگسازان پرکار و از معدود کسانی است که تاکنون موسیقی چند فیلم خارجی را ساخته است. حتی برای ضبط موسیقی «آیدا» از همایون خسروی نوازنده چیره‌دست ویولنسل که مقیم آمریکا است دعوت کرد تا صرفاً به‌خاطر این فیلم به ایران بیاید و با جمع نوازندگان (علی جعفری– ویولن، ناصر رحیمی– فلوت، رضا تاجبخش– بیس و خود فریبرز لاچینی ـ پیانو و گیتار) همراه شود. یک موضوع محوری در «دیشب باباتو دیدم آیدا» این است که بیننده با کمک موسیقی مراحل حرکت انتقالی آیدای نوجوان را به شرایط و وضعیت یک زن خانه‌دار ـ مادرش– که عشق و زندگی او در معرض تهدید قرار دارد به خوبی می‌بیند زیرا آیدا به ناچار تا وقوف کامل به رابطه پدرش با آن زن، از طرفی باید این موضوع را پیش خود نگه دارد و از طرف دیگر با تعصبی که نسبت به زندگی خانوادگی– و جنسیت خود– دارد باید به نوعی این رابطه را کم‌رنگ کند یا از بین ببرد. او در این راه حتی درس و زندگی خود را موقتاً فراموش می‌کند و می‌بینیم که از نظر تحصیلی افت می‌کند و از نظر عاطفی هیچ اعتنایی به آن پسر دوچرخه‌سوار که به او علاقه نشان می‌دهد، نمی‌کند. در تمام مراحل هر یک از ماجراهای فیلم موسیقی حضوری قوی و پررنگ– حتی با سکوت و صدای صحنه و افکت– دارد. مثلاً در یکی از صحنه‌های ابتدایی فیلم، بعد از آمدن پدر به خانه که کتش را در می‌آورد و به گوشه‌ای پرت می‌کند، آیدا به طوری که کسی متوجه نشود یک تار موی زنانه روی کت پیدا می‌کند و آن را بر می‌دارد. در اینجا موسیقی با تم جنایی و رمزآمیز شروع و سپس لحن عاطفی به خود می‌گیرد که به موازات گریه آیدا را در تنهایی او می‌بینیم و به موازات آن صدای جیغ ویولن را در اوکتاو بالا می‌شنویم. در نمای بعد با فید تصویر موسیقی بلافاصله و بدون فرود قطع می‌شود. در نماهای بعد که زمان آن نیمه‌شب است، پدر را در خانه– بدون موسیقی– می‌بینیم و ادامه موسیقی قطع شده قبلی را روی صحنه‌های دوچرخه‌سواری آیدا در نیمه‌شب و حرف زدن او با خود می‌شنویم. این موسیقی با جیغ‌های اکودار آیدا و توقف او جلو خانه ساناز (خاطره اسدی) قطع می‌شود.

در تاریخ سینمای ایران یکی از صحنه‌هایی که همواره به اصطلاح انگ موسیقی گذاشتن به حساب می‌آمده سکانس‌های تعقیب و گریز و اتومبیل سواری بوده (و هنوز هم کماکان چنین است!) اما لاچینی در «آیدا» حتی با چنین صحنه‌هایی نیز آگاهانه برخورد کرده است و در جاهایی به صدای صحنه بسنده کرده است. مورد جالب دیگر استفاده از موسیقی که تنیده در داستان فیلم است (و به کارگردان و فیلمنامه‌نویس هم مربوط می‌شود) آنجا است که مادر (شراره دولت‌آبادی) در حال کار در خانه مشغول شنیدن نوار راست پنجگاه جشن هنر شیراز (با صدای شجریان و تار لطفی) است و با تمام شدن یک طرف نوار از آیدا می‌خواهد که نوار را برگرداند و سپس از خاطره این نوار و آشنایی با پدر آیدا می‌گوید. اینکه موسیقی مورد علاقه مادر سنتی است به خوبی تفاوت نسل دیروز و امروز و عشق‌ها و علایق آنها را نشان می‌دهد. از این موسیقی در صحنه‌های دیگر فیلم هم استفاده مطلوبی می‌شود. (مثلاً در اواخر فیلم به نشانه از بین رفتن تهدید و طبیعی شدن روال زندگی قبلی و عشق پدر و مادر) در سکانس پایانی فیلم آیدا را روی نیمکت فضای باز مجتمع مسکونی در شب می‌بینیم و صدای نریشن او را می‌شنویم؛ وقتی که او شروع به خوردن کیک می‌کند؛ صدای پیانو را می‌شنویم که تصویر روی لبخند آیدا فید می‌شود و به صحنه بعد که صبح شده و نمای کیک به جا مانده روی نیمکت– بدون آیدا– را می‌بینیم و تیتراژ پایانی با موسیقی ارکسترال روی همین نما نقش می‌بندد، در حالی که آدم‌ها از دور می‌آیند و می‌روند...

مشاهیر

نگاهی به زندگی و آثار موتسارت

نابغه کوتاه قد

بخش سوم

طاها پیشوا: در سال ۱۷۶۹ ولفگانگ آمادئوس موتسارت که پیش از آن به همراه پدر و خواهرش سراسر اروپا را برای اجرای کنسرت پیموده بود، بیشتر اوقات خود را در زادگاهش سپری کرد. این فرصت مناسبی بود تا خستگی ناشی از مسافرت‌های طولانی‌مدت را به در کند و فرصتی برای تامل در فعالیت‌های خود به دست آورد. چنین وقفه‌ای که درست در میان سفرهای متمادی برای موتسارت پیش آمده بود بسیار در او اثر کرد و از آن پس ما شاهد ظهور تحولی در نگرش وی به موسیقی و آهنگسازی هستیم.

مدت زمانی بعد موتسارت به ایتالیا سفرهایی داشت. در یکی از این سفرها اتفاق غریبی رخ داد که حتی تا به امروز نیز سئوال‌برانگیز بوده است.

امروزه از آهنگساز برجسته ایتالیایی، آلگری، اثری به جای مانده است به نام Misere. این قطعه تا زمان موتسارت در محافل مذهبی اجرا می‌شد و بسیاری از مذهبیون شأن خاصی برای این قطعه قائل بودند. تا جایی که پارتیتور این قطعه به یکی از اسرار بدل شده بود، چرا که کسی این پارتیتور را در اختیار نداشت و به هیچ طریقی قادر به یافتن آن نبود. گفته شده که موتسارت طی سفرش به ایتالیا، این قطعه را شنید و پس از بازگشت به اقامتگاهش نت آن را از ابتدا تا انتها بدون کوچکترین اجرا مجدداً نوشت. در باب این موضوع بسیاری از صاحب‌نظران موضع‌گیری‌های تندی اتخاذ کرده‌اند تا جایی که حتی کار به نزاع آکادمیک در باب این موضوع انجامیده است. البته احتمال وقوع چنین رخدادی یکسره منتفی نیست. اما نه بدین کیفیاتی که در داستان‌ها تکرار می‌کنند. حتی به اعتقاد بعضی دیگر این کار عملی کاملاً ناممکن است که حتی نابغه‌ای چون موتسارت نیز از عهده آن برنمی‌آید و نسبت دادن چنین اعمال محیرالعقولی تنها به تخریب حقیقت آهنگساز می‌انجامد و اذهان را در شناخت وی منحرف می‌سازد. در هر صورت نت قطعه Misere اثر آلگری در دسترس مردمان روزگار ما قرار دارد و ظاهراً دین ما به موتسارت در این راستا غیرقابل چشم‌پوشی است. نکته‌ای که شاید پیشتر می‌بایست تذکر داده می‌شد این است که سفرهای مکرر موتسارت به همراه خواهر و پدرش به سراسر اروپا نه تنها به موجب خواست پدر در جهت ارائه هنر پیش رس فرزندانش بوده است، بلکه می‌توان از سویی آن را به دلیل یادگیری و آشنایی هر چه بیشتر با زبان‌های مختلف دانست. در آن روزگار توانایی در تکلم به چند زبان یکی از امتیازات منحصر به فرد و استثنایی اجتماعی برای هر فرد محسوب می‌شد و بالاخص برای کسی که حرفه‌اش بر روی صحنه کنسرت صورت می‌پذیرد، اهمیت این موضوع چند برابر می‌شود. در دوران اقامت موتسارت در ایتالیا، شمار سمفونی‌هایی که به اتمام رسانده بود به بیست و پنج می‌رسید. در مورد همین سمفونی آخری یعنی سمفونی بیست و پنجم عقاید جالب توجهی وجود دارد. بسیاری آن را از آثار متاخر موتسارت برتر می‌شمارند و دلیل امر را نوعی خودبه‌خودی در فرایند خلق این اثر می‌شمارند. اثری که طبیعی‌تر از این نمی‌توانست باشد و بسیاری از عناصر خودانگیختگی در آن دیده می‌شود.

در فاصله میان سال‌های ۱۷۷۰ تا ۱۷۷۳ در مجموع سیزده کوارتت زهی توسط این نابغه پدید آمد که در نوع خود کاملاً بی‌نظیر هستند. نکته‌ای که موتسارت جوان را رنج می‌داد و تا حدی موجب درگیری‌های درونی وی شده بود به قد کوتاه او مربوط می‌شد. او به راستی کوتاه‌قد بود و برای کسی که دائماً در برابر حضار در کنسرت بر روی سن ظاهر می‌شود آزاردهنده خواهد بود. مضاف بر این رفتار او حتی زمانی که سنین بیست‌سالگی را پشت سر گذاشته بود همچنان بچگانه می‌نمود. ضمن نامه‌هایی که خصوصاً به خواهرش نوشته به راستی نمی‌توان باور کرد که نگارنده به سن ده‌سالگی رسیده باشد در حالی که او بیست سال و اندی از عمرش می‌گذشت. البته این خصوصیات در نحوی دیگر و آثار موسیقایی موتسارت منعکس شده‌اند و وجه تمایز قطعات او از سایرین محسوب می‌شوند و ما را با وضعی مواجه می‌کنند که حدفاصل ابتذال و اصالت به حداقل رسیده است.

ادامه این مطلب روز شنبه منتشر می‌شود.

مذهبی

۴۲ قطعه تواشیح

برای روزهای رمضان و بخصوص این شب‌ها شنیدن تواشیح و آواها و نواهای مذهبی خالی از لطف نیست و ما ۴ آلبوم تواشیح که مرکز موسیقی حوزه هنری منتشر کرده را پیشنهاد می‌کنیم. این مجموعه توسط گروه همخوانی و تواشیح قدر اجرا شده‌اند و در کل ۴ آلبوم، شامل ۴۲ قطعه هستند.

«در تواشیح خوانی، مجموعه صداهایی که از سینه اجراکنندگان برمی‌آید فضایی آهنگین، حجیم و سرشار را می‌سازد که در موسیقی کلاسیک با عنوان کُرآکابلا (همخوانی، جمع خوانی و هم‌نوایی بدون ساز) شناخته می‌شود.»

به گفته مرکز موسیقی حوزه هنری تواشیح‌خوانی تا به حال فقط از صدا و سیما بنا به مناسبت‌ها پخش شده و این نخستین کاری است که در این زمینه با ویژگی استفاده کردن از کلام عربی و فارسی ارائه می‌شود. استفاده متنوع از کلام، اجرای صحیح و پاکیزه و به کار گرفتن سلیقه هنری در قطعات این مجموعه می‌تواند مورد توجه پژوهشگران موسیقی‌های آوازی و آئینی باشد. در جلد مجموعه توضیحاتی درباره گروه قدر و نام اعضای آن عنوان شده است، در حالی که مشخص نیست آنها چه شناختی از موسیقی ایرانی و دستگاه‌ها و مقام‌ها دارند و زیرنظر چه کسانی تواشیح را فراگرفته‌اند تا ما بهتر بفهمیم که آنها از توانایی‌های بسیار برای اجرای تواشیح برطبق ریشه‌های موسیقی ایران و نواحی آن برخوردار هستند.

ایرانی

بارانی بر دریا

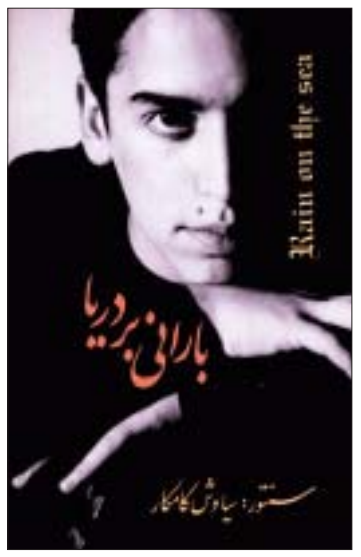

بعد از مدت‌ها یک اثر تکنوازی در موسیقی سنتی به بازار آمد؛ «بارانی بر دریا» که شامل سنتورنوازی سیاوش کامکار است. بله او نوه خانواده کامکار یعنی فرزند پشنگ کامکار و سودابه سالم است و موسیقی را در این خانواده و نزد عموی خود ارژنگ و پدر فرا گرفته و نخستین آلبوم خود را در ۱۶ سالگی روانه بازار کرده است. این مجموعه شامل ۱۰ قطعه است: «قطره باران»، «پریشان»، «بارانی بر دریا»، «مهتاب»، «بداهه‌نوازی در نوا»، «موج»، «پرواز»، «رخش»، «دریا» و «خزان» که تجربه‌های کامکار نوجوان را دربرمی‌گیرند. او ضبط کارهایش را پاییز ۸۳ شروع کرد. این مجموعه قسمتی از آن کارهای ضبط شده است که تجربه‌های تازه سیاوش کامکار و تفکرات فعلی او را در زمینه موسیقی شامل می‌شود. در جلد سی‌دی این اثر آمده است: «از ویژگی‌های نوازندگی او سونوریته ویژه، مضراب‌های روشن و روان، قدرت مساوی مضراب‌های چپ و راست، اجرای پاساژهای سریع و واضح و رعایت نوانس را می‌توان ذکر کرد.» نخستین کسی که مضراب را به دست سیاوش داد و نواختن اولین مضراب‌ها را به او آموخت سودابه سالم بود: «در ابتدا ارتباط با سنتور برایم مشکل بود، زمانی بدون هیچ قاعده‌ای با مضراب بر روی ساز می‌زدم، کاملاً بی‌معنی. بعد پدرم گفت که تو می‌توانی خودت چهار مضراب بسازی و به من یاد داد که چگونه آن قطعه بی‌معنی را معنی‌دار و با ریتم و منظم بنوازم. کم‌کم تمریناتم از روزی نیم‌ساعت به ۷ ساعت رسید.»

ایرانی

فردای روشن

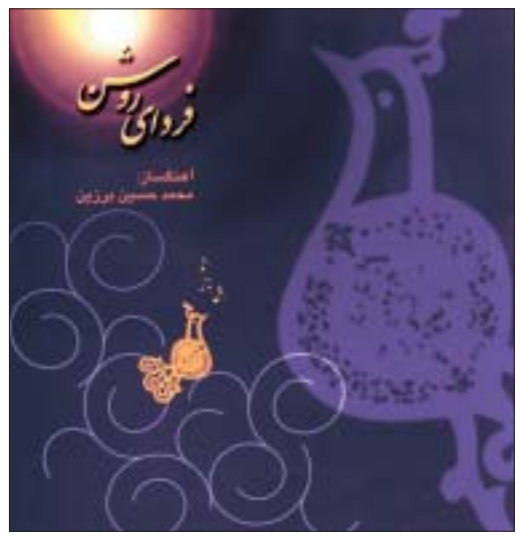

«فردای روشن» نام مجموعه‌ای به آهنگسازی محمدعلی برزین است که موسسه نغمه شهر وابسته به سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران آن را منتشر کرده است و به وسیله آن انتشار موسیقی را نیز در کنار دیگر فعالیت‌های خود تجربه کرده است. «فردای روشن» شامل دو سی‌دی است که در یک سی‌دی قطعات پاپ و در سی‌دی دیگر منظومه سمفونیک شهر انتظار گنجانده شده است که مناسبت قطعه آخر نیمه‌شعبان بوده و اثر در همان روزها به بازار آمده است. خوانندگی قطعات پاپ این اثر را خوانندگان مختلف بر عهده داشته‌اند؛ احسان خواجه‌امیری، پدرام اوشانی، محمدرضا صادقی و امید حجت خوانندگان سی‌دی اول هستند و در منظومه شهر انتظار سروش کریمی و مهدی هدایی آواز خوانده‌اند. اگرچه کیفیت قطعات و اجرای آنها قابل بحث است اما در میان نوازندگان اثر نام چهره‌های شناخته‌شده‌ای دیده می‌شود. مازیار ظهیرالدینی نوازنده ویولن و آلتو، کریم قربانی نوازنده ویولنسل، علیرضا خورشیدفر نوازنده کنترباس، ناصر رحیمی نوازنده فلوت، فرشید حفظی‌فر نوازنده ابوآ و...

ایرانی

دونوازی ایرانی، کنسرت اسپانیایی

آلبوم دونوازی تار و تنبک کار مشترکی از ارژنگ صیفی‌زاده و نوید افقه توسط انتشارات ماهور به بازار عرضه خواهد شد. صیفی‌زاده با بیان این مطلب گفت: این آلبوم که تا یک ماه دیگر به بازار عرضه خواهد شد، در دو بخش دشتی و سه‌گاه خواهد بود که تعدادی از قطعات آن از ساخته‌های خود من است. وی ادامه داد: بخشی از قطعات این آلبوم نیز برگرفته از ملودی‌های فولکلور محلی بخصوص منطقه کردستان خواهد بود که برای ساز تار تنظیم شده است. صیفی‌زاده همچنین کار ساخت آلبومی را با خوانندگی معصومه مهرعلی برعهده دارد که آن نیز تا یک ماه دیگر در اروپا منتشر خواهد شد.

سفارت اسپانیا قرار است کنسرت فلامنکو مدرن اسپانیایی را ۸ و ۹ آذرماه در تالار وحدت – تهران – برگزار کند. بنا بر این گزارش در این کنسرت دو نفر گیتار و یک نفر پرکاشن خواهند نواخت. ساعت اجرای نخستین کنسرت سفارت اسپانیا پس از تغییرات دولت در ایران، ۲۱ اعلام شده است. خبرگزاری مهر گزارش داده است که هنوز سفارت اسپانیا به طور رسمی نام نوازندگان این اجرا را ذکر نکرده است. چندی پیش نیز کنسرت فلامنکویی از سوی سفارت اسپانیا برگزار شد که مورد استقبال قرار گرفت. سفارت اسپانیا به دلیل استقبال خوبی که از این اجرا می‌شود به ادامه برگزاری این کنسرت‌ها در ایران تمایلی جدی نشان می‌دهد.

گزارش

تکثیر غیرمجاز موسیقی

محمود فاضلی: افزایش نگران‌کننده فروش نسخه‌های غیرمجاز CDهای موسیقی در یونان مسئولان دولتی این کشور جنوب اروپا را بر آن داشته است تا تدابیر جدی و سخت‌تری را برای مقابله با این پدیده اتخاذ کنند. آمارهای فدراسیون جهانی تولیدات دیسکوگرافی نشان می‌دهد که یونان یکی از کشورهای اروپایی است که در زمینه نسخه‌برداری‌های غیرمجاز از محصولات موسیقی است. در سال‌های اخیر و با افزایش حضور مهاجران خارجی در این کشور که گفته می‌شود تعداد آنها در این کشور یازده میلیونی حدود یک میلیون نفر است تعدادی از مهاجران آفریقایی که کاری جز فروش محصولات تقلبی هنری در این کشور ندارند، در خیابان‌های اصلی پایتخت، مراکز تاریخی، تفریحی، ایستگاه‌های مترو، مرکز شهر و یا حتی دیگر شهرهای این کشور اقدام به فروش چنین سی‌دی‌های موسیقی با قیمت‌های پایین‌تر می‌کنند.

سودجویان فرهنگی در این کشور طی سال‌های اخیر با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید امکان تکثیر چنین سی‌دی‌ها را فراهم ساخته و همین امر مشکلاتی را برای صاحبان رسمی فروش تولیدات موسیقی و مسئولین وزارت فرهنگ یونان فراهم ساخته است. شبکه سودجویان داخلی روزانه هزاران حلقه CD را به مهاجران بیکار خارجی می‌دهند تا با فروش غیرقانونی پرخطر آنها سود ناچیزی برای خود کسب کنند. در سال‌های اخیر دیدن تصاویر فروشندگان دوره‌گرد که دور از چشم ماموران شهرداری و پلیس اقدام به فروش این کاست‌های موسیقی می‌کنند، کار سختی نیست. مهاجران خارجی با حضور در رستوران‌ها، مراکز تفریحی و بازارهای محلی، مردم را به خرید این سی‌دی‌های ارزان‌قیمت تشویق می‌کنند.

این اقدام غیرقانونی در حالی است که مراکز اصلی و مجاز فرهنگی این کشور به طرق مختلف مردم را به خرید نسخه‌های اصلی محصولات فرهنگی تشویق می‌نمایند. انجمن‌های صنفی و موسیقیدان‌های این کشور نیز با مصاحبه‌های خود ضمن تشریح پیامدهای عرضه غیرقانونی چنین محصولاتی از مردم می‌خواهند که از خرید چنین مواردی خودداری کنند. اتحادیه اروپا نیز چندی پیش اعلام کرده بود که برای تهیه و توزیع کنندگان محصولات هنری غیر مجاز، مجازات زندان و جریمه تا مبلغ ۳۰۰ هزار یورو در نظر گرفته است. مجموعه اقدامات انجام گرفته در یونان هرچند تا حدودی در کنترل این مسئله موثر بوده است اما به نظر می‌رسد تا زمانی که اشتیاق به خرید این گونه محصولات ارزان‌قیمت وجود دارد مسئله گرایش مردم به خرید محصولات ارزان‌تر نیز وجود دارد. در این کشور که مردم از خرید کاست‌های موسیقی استقبال خوبی می‌کنند، سی‌دی‌های غیر مجاز بین سه الی ۴ یورو به فروش رسیده و این در حالی است که در شرایط عادی قیمت آنها ۱۰ الی ۲۵ یورو به فروش می‌رسد.

گزارش نمایندگان صنایع جهانی موسیقی نیز نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۴ میلادی یک سوم CDهای موسیقی که در سطح جهان به فروش رسیده است به صورت غیر مجاز تکثیر و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است که همین امر باعث نابودی اشتغال در صنایع موسیقی شده و صنایع موسیقی حداقل پنج میلیارد دلار از درآمد خود را در سراسر جهان از دست داده‌اند. گفته می‌شود کشورهای اسپانیا، برزیل، هند و چین بیشترین تخلف را در این زمینه داشته‌اند. در چین کپی‌های غیر مجاز در سال گذشته معادل ۸۰ درصد کل بازار موسیقی این کشور بوده است.

همچنین کاربران اینترنت، ماهانه صدها میلیون ترانه موسیقی را از شبکه‌های مختلف رایگان دانلود می‌کنند و این در حالی است که کاربرانی که به شکل رایگان اقدام به این کار می‌کنند قابل مقایسه با ترانه‌هایی که از سایت‌های پولی خریداری می‌کنند نیست. رایگان بودن و همچنین وسیع بودن گستره فایل‌های قابل دانلود می‌تواند مالکان بزرگ صنعت موسیقی را با مشکلات جدیدی روبه‌رو سازد.

طبق آمار منتشره در طول سال گذشته پلیس ترکیه (همسایه یونان) نیز سه میلیون و ۵۵۰ هزار نسخه کتاب و CD موسیقی که به طور غیر قانونی تکثیر شده بود، کشف کرده است. بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۴ دو میلیون و ۹۰۰ هزار نوار موسیقی و فیلم و کتاب قاچاق کشف شده است. همچنین در ۱۵ ماه گذشته دو میلیون و ۱۸۰ هزار سی‌دی موسیقی و فیلم قاچاق کشف و منهدم شده است.

گفت و گو

گفت‌وگو با راجر واترز

ملاقات زیبایی بود

ترجمه: محسن ابراهیمی

«سلام، راجر وراترز هستم.» خارج از وقت معمول و به‌طور ناگهانی آن طرف خط و در خانه یکی از دوستانش نابغه متفکر گروه پینک‌فلوید جواب تلفن را می‌دهد. به‌طور طبیعی همه چیز در ابتدا به سمت خوشامدگویی پیش می‌رود و از فضای جدید حرف می‌زند. بعد از ۲۲ سال جدل سخت و خاموش دوستان قدیمی دور هم جمع می‌شوند و شبی به‌یادماندنی را در کنسرت Live8 پشت سر می‌گذارند. سه‌شنبه عصر راجر واترز در شهر رم اپرای «Ca Ira» که از انقلاب فرانسه و موسیقی قرن نوزدهم الهام گرفته را اجرا کرد. بعد از ۱۶ سال کار در فضایی متفاوت و همراه با مشکلات واترز این اپرا را با فرمی جدید روی صحنه می‌برد، در حقیقت اشعار اپرایی Libretto این اثر متعلق به «اتی‌ین و نادین روداژیل» فرانسوی است و نابغه موسیقی ۱۷ نوامبر در پارک موسیقی ایتالیا تلفیقی از اپرا و موسیقی خاص خود را ارائه خواهد کرد و مردم یک روز بعد می‌توانند به تماشای مجدد آن بنشینند. پیشبرد این پروژه دلیل موجهی برای واترز است تا بار دیگر زندگی خود را با دنیای پرسروصدای موسیقی همراه کند. او به تازگی آلبوم جدیدش را روانه بازار کرده است و اکنون تمام توجهش را معطوف این اپرا کرده است. او هنوز هم مهربان است. در ارائه اطلاعات خساست نمی‌کند و وقتی که از پینک‌فلوید حرف می‌زند، طفره نمی‌رود.

■آقای واترز اپرای شما حتی عاشقان و طرفداران تاریخ را هم مجذوب خواهد کرد، چرا که فضای کلاسیک قرن نوزدهم را زنده می‌کند.

روز اولی که خودم را وادار کردم تا در مورد این اپرا بنویسم، انگار که این اشعار در مورد نوع موسیقی همراه آن از من سئوال می‌کردند. داخل استودیو بودم، روبه‌روی یک پیانو و یک میکروفن. در تمام زندگی‌ام مجذوب آوای قرن نوزدهم بودم. من طرفدار همیشگی برلیوز، پروکوفیف (Prokofiev) و بتهوون هستم. اما ملودی‌های فولک، مارش‌های نظامی و گروه‌های کودکانه در ایده‌هایم تاثیرگذار بوده‌اند.

■کرهای شما برای بچه‌ها در تاریخ پاپ ماندگار شده‌اند.

خیلی‌ها به «دیوار» فکر می‌کنند.

به نظرم همان روند «The Wall» و «Wish you were Here» را ادامه داده‌ام. بنابراین از رنگ‌های متفاوتی استفاده می‌کنم و سعی می‌کنم پاسخ هیجان‌انگیز متفاوتی از آن بگیرم. اما بخشی از همان مفهومی را که در «دیوار» داشتم، اینجا هم پیدا می‌کنید. دلمشغولی‌های من در دوران کارم هنوز همان مسائل قبلی است.

■در کار جدید شما و در این ارکستر خوانندگان اشعار و کرهای کلاسیک فقط در دو اپیزود حضور دارند. خصوصاً اسماعیل لو خواننده انقلابی بزرگ هم هست و یک گروه کر مذهبی. ریتم‌ها نیز خیلی سریع شروع می‌شوند.

من فکر نمی‌کنم که بخش‌های این اپرا با آنچه که به‌طور عمومی وجود دارد، چندان تفاوت داشته باشد. به نظرم همه چیز به همان شیوه خودش نوشته شده است و فقط خواننده‌ها شیوه‌ای دیگر دارند. من به دنبال آوازی کاملاً آفریقایی بودم و آن را جاری کردم.

■چرا رم را برای اولین اجرا در ۱۷ نوامبر انتخاب کردید؟

این رم است که مرا انتخاب کرده. فلاویو سورینی (مدیر هنری مرکز موسیقی رم) همیشه یکی از طرفداران کارهایم بوده است.

■اجرای کامل در کجا برگزار می‌شود.

شهر بن که جذابیت‌های خودش را خواهد داشت. توجه داشته باشید که برای اپرای رم چند قطعه را انتخاب کردم که نمایانگر و نشانه خوبی از این اثر باشد و به واسطه اشعار اپرایی همراه می‌شود. این انتخاب‌ها باید نشان دهند که در حال انجام چه کاری هستم و البته اینکه نشان بدهیم از چه ابزارهایی برای به صحنه آوردن Ca Ira استفاده کرده‌ایم.

■ماه قبل منتقدان کلاسیک «نیویورک تایمز» از اپرای جدید شما و قیاس آن با «دیوار» نوشته‌اند...

آن مطلب یک نقد نه‌چندان جدی در یک روزنامه جدی بود. به نظر می‌رسد که آنها پیشینه (Background) مرا نقد می‌کنند. از مک‌کارتی مثال می‌آورند. اما مرا با او مقایسه نمی‌کنند. شاید این کنکاش‌ها راحت باشد، اما می‌بایست به یک هدف و نقطه مشخص برسد. اما بعداً می‌نویسند که کار جدیدم در نیمه بحرانی زندگی‌ام است و به سختی آن را دنبال می‌کنم. آنها مرا نقد می‌کنند که یک کار محافظه‌کارانه نوشته‌ام. اما من موسیقی کلاسیک مدرن غیرقابل تصوری را پیدا کرده‌ام. این یک بازی هوشمند است ولی من دوست ندارم بازی کنم.

■در اولین اجرا دویست مهمان ویژه حضور دارند. چه کسانی می‌آیند. آیا میک میسون هم دعوت شده است؟

همکاران، دوستان و چند هنرپیشه. بله، مسلماً میسون هم آنجا خواهد بود.

■شما در حال کار روی یک آلبوم راک هستید. در ادامه «Amused to Death».

به واقع کار روی دو آلبوم را شروع کرده‌ام. یکی از آنها سیاسی است و در ادامه Amused و دیگری هم عاشقانه است. به محض اینکه کار بر روی این اپرا تمام شد، دو آلبوم جدید هم بیرون خواهد آمد.

■رابطه شما با دوستان قدیمی در Live8 چگونه بود؟

این بسیار مهم بود که توانستم گلدوف را تحمل کنم. در آن کنسرت فرصت این را داشتم تا با دیوید گیلمور بعد از مدت‌ها صحبت کنم. طی چهار روز تمرین حرف زدیم. واقعاً متاسفم از آنچه که قبلاً بین من و دیوید اتفاق افتاد. اما این ملاقات زیبا بود. می‌توانیم نقطه‌نظرات متفاوتی داشته باشیم، ولی هیچ احتیاجی نیست که برای همکاری در یک موسیقی با یکدیگر موافق و همراه باشیم.